

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه‌ی ادله‌ی مرحوم صاحب جواهر (در مورد این که آیات سوره مائده آخرین آیات نازل شده است) بیان نمودیم مرحوم صاحب جواهر (ره) معتقد هستند در آیات شریفه‌ی قرآن، آیه‌ی سوره مبارکه مائده محکم است؛ و مقتضای این آیه، حلیت نکاح با اهل کتاب به صورت مطلق است. و می‌فرمایند این آیه‌ی سوره مائده، آیات دیگر را یا نسخ می‌کند و یا تخصیص می‌زند. مرحوم صاحب جواهر بر این مطلب که سوره‌ی مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده، در مجموع، هفت دلیل بر این مطلب اقامه کرده‌اند که در بحث گذشته پنج دلیل را خواندیم. دو دلیل دیگر هم وجود دارد که این دو دلیل را نیز باید بیان کنیم. ایشان در دلیل ششم می‌فرماید: يَدُلُّ عَلَى انْتِفَاءِ النسخ فِي خصوص الآية بل هي ناسخ لمن دعوه نسخها ما رواه السيد مرحوم سيد مرتضى رساله‌ای دارد به نام رساله محکم و متشابه و در آن از تفسیر نعمانی روایتی را از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که این روایت در وسائل الشیعه، در کتاب النکاح، «ابواب ما یحرم بالکفر»، باب دوم، حدیث 6 آمده است. در این روایت، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: بعضی از آیات در قرآن کریم هست که نصف آن منسوخ است، اما نصف دیگرش به حال خودش واگذاشته شده و منسوخ نیست.

و این مطلبی که در علم اصول مطرح می‌شود از همین کلام امیرالمؤمنین (ع) استفاده می‌شود؛ در علم اصول می‌گویند اگر روایتی صدرش یا ذیلش به خاطر اشکالی که در آن هست، از حجیت ساقط شد، بقیه روایت به حجیت خودش باقی می‌ماند؛ اینطور نیست که کل روایت کنار گذاشته شود. سپس حضرت مثال می‌زنند که در آیه (وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللّٰهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)، اول آیه که فرموده وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ منسوخ شده است؛ اما وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ که زن مسلمان با مشرک ازدواج نکند، به حال خودش باقی مانده است. می‌فرماید: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا يَنْكِحُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَيَنْكِحُونَهُمْ یعنی مسلمانان هم از آنها زن می‌گرفتند و هم به آنها زن می‌دادند حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ نَهَى أَنْ يَنْكِحَ الْمُسْلِمُ مِنَ الْمُشْرِكِ أَوْ يَنْكِحُوهُ آیه نازل شد که نه مسلمان زن مشرک بگیرد و نه زن مسلمان زن مرد مشرک شود ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْمَائِدَةِ مَا نَسَخَ هَذِهِ الْآيَةَ در سوره مائده خداوند مطلبی را فرموده است که این آیه را نسخ کرده است؛ و آن آیه این است که (الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) فاطمات الله تعالی مناكحتهن بعد أن كان نهی خداوند مناكحه با آنها را اجازه داد بعد از اینکه آن را در آیه سوره بقره نهی کرده بود.

وترک قوله وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ؛ اما وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ را دیگر نسخ نکرده و به حال خودش باقی گذاشته است. شاهد مرحوم صاحب جواهر این است که امیرالمؤمنین (ع) در این روایت می‌فرماید: آیه سوره مائده ناسخ آیه سوره بقره است. دلیل هفتم و آخرین دلیل مرحوم صاحب جواهر از تفسیر علی بن ابراهیم است. در تفسیر علی بن ابراهیم در مورد آیه وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ... آمده است: هی منسوخة بقوله تعالى الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۚ وَطَعَامُ الَّذِينَ ... ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

گفته است نسخت هذه الآية قوله وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ وترك قوله وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ على حاله لم ينسخ این قسمت آیه که می‌گوید زن مسلمان را با مرد مشرک نکاح نکنید، به حال خودش باقی مانده است.

مرحوم صاحب جواهر در اینجا می‌گوید: علی بن ابراهیم در تفسیرش نمی‌گوید که این مطلب را کدام یک از ائمه (ع) فرموده است؛ فقط می‌گوید قوله تعالى وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ منسوخة بقوله تعالى الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ؛ مرحوم صاحب جواهر می‌فرمایند: هرچند علی بن ابراهیم این مطلب را به معصومی اسناد نداده است، إِلَّا أَنَّ الظاهر كونه مأخوذاً عنهم ظاهر این است که این مطلب از ائمه (ع) گرفته است؛ كما يشهد به طريقة المحدثين طريقة محدثان همین است؛ و خصوصاً در مورد آنچه که برایشان مسلم بوده، اصلاً اسم امام را هم نمی‌آوردند و مطلب را نقل می‌کردند.

وخصوصاً فیما طريقة النقل من نقل متون الأخبار بحذف الإسناد كأنه من كلامهم اخباری که نقل می‌کردند، طريقة‌شان این بوده که اسناد را کنار می‌گذاشتند به عنوان این که این یک کلام قطعی امام معصوم (ع) است. در اینجا چند بحث وجود دارد که خیلی هم مهم است. اولین بحث این است که بالاخره ما چه کنیم؟ آیا آیه سوره بقره ناسخ آیه سوره مائده است و یا آن که آیه سوره مائده ناسخ آیه سوره بقره است؟ پاسخ این سؤال متفرع بر این است که در تاریخ نزول سور قرآن بررسی داشته باشیم و ببینیم از آنجا چه مطلبی به دست می‌آید؛ بالاخره ببینیم آیا سوره مائده واقعاً آخرین سوره نازل شده قرآن است؟ اولین نکته، این است که مرحوم صاحب جواهر این روایت را از الدر المنثور نقل می‌کند؛ اما وقتی به الدر المنثور و تفسیر تبیان و تفسیر ابو الفتوح مراجعه بفرمایید، روایت اینطور نیست. آنجا دارد: إِنَّ سُوْرَةَ الْمَائِدَةِ مِنْ آخِرِ سُوْرِ الْقُرْآنِ نَزْولاً؛ یک کلمه «من» دارد؛ و تعجب این است که این کلمه «من» در عبارت مرحوم صاحب جواهر نیامده است. در این صورت، که کلمه «من» در روایت باشد، یعنی سوره مائده جزء سور اواخر است و منافاتی ندارد که بعد از آن سوره دیگری هم آمده باشد. البته ممکن است کسی بگوید که در این روایت آمده است: «فَأَحْلَوْا حَلَالَهَا وَحَرِّمُوا حَرَامَهَا» و این ذیل تصریح می‌کند آنچه در سوره‌ی مبارکه مائده آمده که حلال است، آن را حلال بشمارید و آنچه که در این سوره حرام است، حرام بشمارید.

این تفریع شاهد بر این است که پیامبر می‌خواهند بفرمایند هرچه حلال و حرام است در این سوره بیان شده است؛ و دیگر بعد از این بیان، حلال و حرامی نیست. آیا این قرینه نمی‌شود که سوره مائده آخرین سوره است؛ دقت کنید ما از ذیل روایت می‌توانیم استفاده کنیم که آخرین حلال و حرام در سوره مائده بیان شده است، اما باز نمی‌توانیم استفاده کنیم که سوره مائده آخرین سوره است. اشاره خواهم کرد که ممکن است بعد از سوره مائده سوره نصر نازل شده باشد که در آن دیگر از حلال و حرام بحثی نیست. و یا آیا می‌شود بگوییم که «أَحْلَوْا حَلَالَهَا وَحَرِّمُوا حَرَامَهَا» یک عنوان عام است که ممکن است تخصیص خورده باشد؛ یعنی پیامبر می‌خواهد بفرمایند سوره مائده که آمده، شما هرچه را که این سوره حلال کرده، حلال بشمارید و هرچه را حرام کرده، حرام بشمارید؛ اما منافات ندارد که باز بعضی از حلال و حرامها عوض شود؛ به نظر ما، نمی‌شود اینجا چنین حرفی را زد. صدر روایت وقتی می‌گوید من آخر سور القرآن نزولاً، این صدر قرینه است بر اینکه بعد از این سوره چیزی به عنوان بیان حلال و حرام نداریم. عبارت «فَأَحْلَوْا حَلَالَهَا وَحَرِّمُوا حَرَامَهَا» تفریع بر صدر است و وقتی تفریع شد، دیگر نمی‌توانیم بگوییم این تخصیص می‌خورد. من مراجعه‌ای کردم به التمهید مرحوم آقای معرفت (قدس سره)؛ ایشان زحمتهای زیادی در بحث علوم قرآن کشیده است. ایشان در جلد اول، صفحه 160 بحثی دارد که آخرین سوره و آخرین آیه چیست؟

ایشان از مناهل البرهان از کتابهای متعددی مطالبی را نقل می‌کند؛ اما آنچه برای من جای تعجب است، این است که ایشان هیچ اشاره‌ای به این روایات مفصل که مربوط به سوره مائده است، ندارد. ایشان از مجمع البیان طبرسی نقل می‌کند که می‌گوید جاء فی روایاتنا إن آخر ما نزل هی سورة النصر آخرین سوره‌ای که نازل شده، سوره نصر است. روی آنها لما نزلت وقرأها علی أصحابه فرحوا واستبشروا سوی عباس بن عبدالمطلب وقتی پیامبر سوره‌ی نصر را خواندند، همه‌ی اصحاب خوشحال شدند؛ اما عباس بن عبدالمطلب گریه کرد. پیامبر فرمودند ما بیکبک یا عم؟ عرض کرد أظن أنه قد نهیت إلیک نفسک من از این سوره بانگ رحلت شما را استشمام می‌کنم. پیامبر هم فرمودند: همینطور است فعاش بعدها سنتین بعد از این سوره، پیامبر دو سال

زندگی کردند. در صفحه‌ی 29 از جلد 1 تفسیر البرهان از امام صادق روایت شده است: **وَأَخْرَجَ سُورَةَ أَنْزَلَتْ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ .** در اتقان سیوطی جلد 1 صفحه 79 از ابن عباس نقل شده که: **أَخْرَجَ سُورَةَ أَنْزَلَتْ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ .** مرحوم فیض در صافی جلد 1 صفحه 680 می‌گویند: **رَوَى آخِرُ سُورَةِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْبَرَاءَةِ نَزَلَتْ فِي السَّنَةِ التَّاسِعَةِ بَعْدَ عَامِ الْفَتْحِ** این یک قول دیگری است که آخرین سوره، سوره براءت است و در سال نهم بعد از عام فتح نازل شده است **عند رجوعه من غزوة التبوك نزلت آيات من أولها فبعث بها النبي(ص) مع علي ليقراها على ملأ من المشركين.** بعد هم از تفسیر شبر نقل می‌کند آخر آیه نزلت **(وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)** (آیه 281 سوره بقره است).

و حتی در روایت دارد: جبرئیل این آیه را آورد به پیامبر عرض کرد: این آیه را در رأس مأتین و ثمانین یعنی **280 بقره** قرار دهید که معلوم می‌شود هر آیه‌ای هم به دستور خدا در جایش قرار داده شده است و اینطور نبوده که پیامبر به میل خودش آیات را این گونه ترتیب دهد. سپس دارد: **وعاش الرسول بعدها أحدًا وعشرين يومًا** پیامبر بعد از این آیه 21 روز زنده بودند؛ و بعضی از روایات هم دارد 7 روز زنده بودند. ایشان از تاریخ یعقوبی صفحه‌ی 35 از جلد 2 نقل می‌کند: آخرین آیه‌ای که نازل شده است، آیه **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)** است، بعد می‌گوید **وهي الرواية الصحيحة الثابتة الصريحة** وکان نزولها يوم النص على أمير المؤمنين . می‌گوید آخرین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شده است همین آیه است که در روز غدیر نازل شده است و در سوره‌ی مائده هم هست. اگر بپرسید جمع بین اینها چیست؟ می‌گوییم آخرین سوره‌ای که به صورت کامل بر پیامبر نازل شده، سوره نصر است؛ اما آخرین آیه، همین آیه‌ی سوره مائده است.

بحث این است که یک وقت می‌خواهیم جمع کنیم بگوییم آخرین سوره چه بوده؟ ایشان می‌فرمایند ما بگوییم آخرین سوره، سوره نصر بوده است. اما **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)** آخرین آیه بوده است. این دو اشکال دارد. اشکال اولش این است که با روایتی که ما از الدر المنثور، مجمع البیان و تبیان نقل کردیم که خود پیامبر فرموده **إِنَّ سُورَةَ الْمَائِدَةِ آخِرُ الْقُرْآنِ نَزُولًا** تعارض دارد. جمع بین اینها نمی‌شود مگر همان که ما گفتیم که بگوییم سوره مائده آخرین سوره بوده از جهت بیان حلال و حرام؛ اما سوره نصر که بحث حلال و حرام در آن نیست و بحث پیروزی و فتح است و این که گروه گروه مردم به اسلام گرایش پیدا می‌کنند، آخرین سوره است.

پس، اشکال اول به فرمایش ایشان این است که ایشان روایات را حل نکردند. اصلاً من عرض می‌کنم تعجب این است که چطور ایشان در این بحث اصلاً هیچ اشاره‌ای به این روایات نکرده‌اند. اشکال دوم این است که مشکل را در سوره حل کردید، در آیه چه می‌گویید؟ در آیه یک نقل می‌گوید آخرین آیه‌ی **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)** است؛ و نقل دیگر می‌گوید آخرین آیه **(وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)** است؛ و قول سوم این است که آخرین آیه، آیه‌ی دین است **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَكُتِبَ لَهُ ۖ وَلِكَتَبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...)** است؛ و مفصل‌ترین آیه قرآن هم همین آیه است. مرحوم صاحب البرهان بعد از نقل این اقوال می‌گوید: بسیاری از این اقوال روی اجتهاد آقایان بوده و مستند نیست. بعد چند احتمال داده است و می‌گوید: یک احتمال این است که این راوی می‌گوید من آخرین آیه‌ای که از پیامبر شنیدم این آیه است و راوی دیگر می‌گوید نه، من آیه‌ای که شنیده‌ام فلان آیه است. این آخر به حسب واقعی نیست و بلکه به حسب سماع راوی است. این احتمال را صاحب البرهان در جلد 1 صفحه 210 بیان کرده است. بعضی احتمالات دیگر هم هست که شما خود ملاحظه کنید. تا اینجا برای شما هم روایاتی را خواندیم که بیان کرده بودند **(وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ)** ناسخ آیه **(وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ)** است و هم روایاتی را خواندیم که می‌گفت **(وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ)** ناسخ آیه **(وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ)** است. عمده این است که این را چطور حل کنیم و ببینیم خود مرحوم صاحب جواهر چه می‌گوید؟

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

